



زیر سقف کتاب
نگاهی به فراز و فرود سی و پنج دوره
نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران



روایت‌های فاطمه ستوده درباره مراقبت از دیگری
مراقبان صبور زندگی



ایران

Iran Newspaper

چهارشنبه ۱۴۰۴ اردیبهشت ۱۷ شماره ۸۷۳۳

گفت‌وگو با دکتر فرهنگ رجایی
درباره کارنامه کاری و پروژه پژوهشی‌اش

خزائن اسرار امروز ما

آثار گوناگون نگارنده
از یک‌سو همه درباره
چندلایه بودن وضع
بشر و از سوی
دیگر شش‌شاکله
امرسیاسی است
که هر دو، نه
اتصال که ارتباطی
اندام‌واره دارند





زیر سقف کتاب

نگاهی به فراز و فرود سی و پنج دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران



مریم شهبازی | روزنامه‌نگار

را فراهم آورد. ولی این پایان داستان جابه‌جایی‌ها نبود. در سال ۱۳۹۵، به منظور دسترسی به محیطی تخصصی‌تر و مدرن‌تر، نمایشگاه کتاب تهران به مجموعه نمایشگاهی شهرآفتاب، مجموعه‌ای جدید در جنوب تهران منتقل شد.

● ناتوانی شهرآفتاب

این مجموعه برای دو سال، دوره‌های بیست‌ونهم و سی‌ام، میزبانی از نمایشگاه کتاب تهران را به عهده داشت؛ انتقالی که موفقیت‌آمیز نبود، استقرار در سازه‌های ناتمام و البته فاقد ایمنی لازم، هم صدای ناشران را درآورد و هم گلایه بازدیدکنندگان را به دنبال داشت؛ به خصوص که وقوع طوفان و باران هم به غرفه‌های ناشران آسیب زیادی وارد کرد و بازدیدکنندگان سالن کتاب‌های کودکان و نوجوان که اغلب آنها را مخاطبان کم سن و سال تشکیل می‌دادند، در معرض بروز وقایعی از جمله برق‌گرفتگی قرار داد. این وقایع در سال دوم حضور نمایشگاه کتاب در شهرآفتاب بیش از سال اول خود را نشان داد، چراکه اولین تجربه مسئولان شهرداری نبود و آنان تجربه خسارت‌های ناشی از باران را پیش‌تر هم تجربه کرده بودند. در نهایت، با توجه به وقایع آن دو سال میزبانی، نمایشگاه کتاب تهران بنا به تصمیم مسئولان وقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و البته خواست ناشران به مصلی تهران بازگشت چراکه اگر این بازگشت صورت نمی‌گرفت، هم ناشران تأکید به انصراف از حضور در دوره بعد کرده بودند و هم بازدیدکنندگان عطای شرکت در این رویداد را به لقای آن می‌بخشیدند.

تنها دو سال بعد، یعنی در سال ۱۳۹۷، مصلی تهران برای مرتبه‌ای دیگر میزبانی این رویداد علمی-فرهنگی را به عهده گرفت. بازگشت به مصلی گویای ناتوانی مجموعه شهرآفتاب و مسئولان شهرداری وقت در

مصلای تهران بار دیگر قلب تپنده حوزه فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی شده است، جایی که کتاب، نه تنها میان صفحات کاغذی، بلکه در میان هزاران نگاه مشتاق جریان پیدا می‌کند. از امروز با حضور جمعی از ناشران ایرانی و خارجی، سی و ششمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران آغاز به کار کرده است؛ رویدادی که مخاطبانش فقط عاشقان ادبیات و اهل علم نیستند. این نمایشگاه، جشنی بزرگ برای همه است؛ فرصتی برای کشف ایده‌ها، پیوند فرهنگ‌ها و جشن گرفتن زندگی در دل کلمات.

● تاریخ نمایشگاه

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، سال ۱۳۶۶، زیر بمباران بعثی‌ها و در یکی دو سال منتهی به آتش‌بس قدم به عرصه فرهنگی کشور گذاشت. اولین دوره این نمایشگاه در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران (ستول) برگزار شد، این میزبانی تا سال ۱۳۸۵ در همین مکان ادامه یافت اما به دلیل رشد چشم‌گیر بازدیدکنندگان و گسترش دامنه حضور ناشران، پس از سال‌ها به مصلی امام خمینی (ره) انتقال یافت. البته در این جابه‌جایی دلایل دیگری هم مؤثر بود، از جمله گلایه‌هایی به افزایش بار ترافیکی خیابان‌های اطراف محل میزبانی و مختل شدن رفت‌وآمدها. با این حال مسئولان وقت، مهم‌ترین دلیل این جابه‌جایی مکانی را گسترش فضای نمایشگاه و تبدیل آن به قلب فرهنگی پایتخت عنوان کردند.

اهالی نشر انتقال به مصلی را در سال ۱۳۸۶ نقطه عطفی در تاریخ نمایشگاه خواندند چرا که فضای وسیع‌تر امکان حضور گسترده‌تر ناشران و مخاطبان بیشتری

نمایشگاه‌نگاری

فرصت نمایشگاه

چرا به نمایشگاه کتاب
نباید نگاه صرفاً اقتصادی داشت؟



بیژن مومینوند | دبیر کتاب «ایران»

در دهه ۸۰، نمایشگاه کتاب برای ما آداب و مناسک ویژه‌ای داشت. یک ماه مانده به نمایشگاه، پول‌هایمان را جمع می‌کردیم یا وام دانشجویی می‌گرفتیم تا بتوانیم در فرصت نمایشگاه، کتاب‌هایی را که می‌خواستیم بخریم. یک یا دو روز از امور فرهنگی اتوبوس می‌گرفتیم و راهی نمایشگاه کتاب در پارک وی می‌شدیم. کل روز را در سالن‌ها می‌چرخیدیم و در این پرسه‌زنی‌ها علاوه بر خرید کتاب، با ناشران و نویسندگان مختلف ارتباط می‌گرفتیم و خیلی از هماهنگی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها برای برنامه‌ها و سخنرانی‌های دانشگاه را همین یکی دو روز انجام می‌دادیم. یک سال پس از دانشگاه، نمایشگاه کتاب هم جایش عوض شد و حالا که دیگر تهران بودیم آن مناسک هم نبود و کم‌کم اهمیت نمایشگاه کم‌رنگ شد؛ حتی گاهی هم در گزارش‌ها و مطالبی که تهیه می‌کردم از اینکه نمایشگاه تبدیل به تفرج‌گاه شده و در خوش‌بینانه‌ترین حالت تبدیل به فروشگاه کتاب شده انتقاد می‌کردم تا اینکه سرو و کله کرونا پیدا شد و نه تنها سال ۱۳۹۹ نمایشگاه به سیاق هر سال برگزار نشد بلکه کلاً ساختار خرید کتاب دچار تحول شد و کتاب‌فروشی‌ها هم با بحران مواجه شدند. فروشگاه‌های اینترنتی کتاب با تخفیف همیشگی هم جا را بر کتاب‌فروشی‌های سنتی تنگ کردند و هم خرید نمایشگاهی را تحت تأثیر قرار دادند. اکنون نمایشگاه کتاب با یک بازتعریف کارکردی می‌تواند نقش مؤثرتری در تحولات فرهنگی داشته باشد. همان‌طور که در ابتدا اشاره کردم در دهه ۸۰ ما در نمایشگاه کتاب فقط کتاب نمی‌خریدیم بلکه به خیلی از ارتباطات مان شکل می‌دادیم. ناشران و نویسندگان هم می‌توانند از فرصت نمایشگاه برای تقویت ارتباطشان با خوانندگان استفاده کنند و با استفاده از این مواجهه رودررو به شناخت دقیق‌تری از ذائقه مخاطبان برسند و بر اساس این شناخت بلاواسطه عمیق، شاکله برنامه‌های آینده خود را برای نشر آثار مشخص کنند. در این صورت دیگر میزان موفقیت نمایشگاه را فقط با میزان فروش نمی‌توان سنجید بلکه در تحلیل نمایشگاه باید به تأثیر تعاملات و شبکه‌سازی بین ناشر، نویسنده و مخاطب هم توجه کرد.



عکس‌ها: علی حسینیپور / ایران

۲۰ درصد رشد

نمایشگاه سی‌وششم به روایت آمار

حدود ۹۰۰ غرفه در شبستان مصلی برپا شده است. تمرکز بر ادبیات کودک و نوجوان با حمایت انجمن فرهنگی ناشران این حوزه، بخشی ویژه را در این برنامه‌ها ایجاد کرده است. این نمایشگاه همچنین توجه ویژه‌ای به تعاملات بین‌المللی دارد. حضور ناشرانی از عراق به‌عنوان میهمان ویژه، با شرکت بیش از ۲۰ ناشر برجسته و چهره‌های فرهنگی این کشور، نقطه عطفی در تقویت روابط فرهنگی دو ملت است. علاوه بر این، ۸۰ میهمان خارجی از کشورهای مختلف جهان نیز راهی تهران شده‌اند تا در این رویداد فرهنگی حضور داشته باشند. بر این اساس، نمایشگاه کتاب تهران جایگاه خود را به‌عنوان یک رویداد بین‌المللی تقویت کرده است. بخش فناوری نیز از دیگر ویژگی‌های متمایز این دوره است. با رشد تکنولوژی‌های دیجیتال و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، نمایشگاه امسال با نگاهی نو به نشر الکترونیک و روش‌های مدرن عرضه محتوا پرداخته است. دسترسی آسان‌تر به اطلاعات، نصب مانیتورهای جست‌وجو در سالن‌ها و حضور غرفه‌های اطلاع‌رسانی گسترده باعث می‌شود بازدیدکنندگان در این رویداد بزرگ سردرگم نشوند. این نمایشگاه که فراتر از یک بازار عرضه کتاب عمل می‌کند، با برگزاری برنامه‌های فرهنگی، کارگاه‌های آموزشی و گفت‌وگوهای تخصصی در زمینه نشر، بستری برای تعاملات فرهنگی و گسترش ایده‌های خلاقانه ایجاد کرده است. سی‌وششمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، با تمرکز بر گسترش فرهنگ کتابخوانی در تلاش است تا همه اقشار جامعه را به این رویداد جذب کند.

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با شعار «بخوانیم برای ایران»، امسال وارد سی‌وششمین دوره شده و یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای فرهنگی کشور را رقم زده است. رویدادی که در دو بخش حضوری و مجازی برگزار می‌شود و با حضور گسترده ناشران داخلی و خارجی و برنامه‌هایی متنوع، تجربه‌ای کم‌نظیر را برای علاقه‌مندان به کتاب و فرهنگ فراهم کرده است. در این دوره، بارانه خرید کتاب دانشجویان که از سقف یک میلیون تومان برخوردار است، با حمایت ۵۰ درصدی معاونت امور فرهنگی و مشارکت دانشجویان ارائه می‌شود. در مجموع، این دوره با بودجه ۲۰۰ میلیارد تومانی برای یارانه‌ها، فضایی فراهم کرده تا عموم جامعه امکان خرید کتاب‌های مورد نیاز خود را داشته باشند. برای استفاده از این یارانه‌ها بازدیدکنندگان باید ثبت‌نام کنند؛ همچنین بخش مجازی این دوره نیز تلاش کرده با ارسال رایگان کتاب، شرایط مناسبی را برای علاقه‌مندان به کتاب ایجاد کند. این اقدام، در کنار توسعه نشر الکترونیک، باعث می‌شود افراد بدون نیاز به حضور فیزیکی در نمایشگاه، تجربه‌ای آسان و کم‌هزینه از خرید کتاب داشته باشند. یکی از تغییرات مهم امسال، جانمایی تمام ناشران در فضای مسقف است که باعث ایجاد شرایط مناسب‌تر برای بازدیدکنندگان و صاحبان غرفه‌ها شده است. این تغییر، همراه با افزایش ۱۵ تا ۲۰ درصدی حضور ناشران، بویژه در بخش ناشران عمومی، نشان‌دهنده رشد چشم‌گیر این رویداد است. امسال ۲۳۶۳ ناشر داخلی و خارجی در فضایی ۷۵ هزار متری مشارکت کرده‌اند و

تحقق وعده‌های چند ساله‌شان بود؛ بازگشتی که به لطف آن تجربه دوساله ناخوشایند با استقبال گسترده ناشران و بازدیدکنندگان همراه شد.

● دو توقف

برپایی نمایشگاه کتاب تهران، با وجود استقبالی که از همان ابتدا، حتی زیر سایه جنگ تحمیلی صورت گرفت با چند توقف کوتاه نیز همراه شد؛ اولین توقف آن به سال ۱۳۶۷، بازمی‌گردد، نمایشگاه کتاب که در سال‌های اول در آبان ماه برگزار می‌شد، در سال ۱۳۶۷، پس از پایان جنگ تحمیلی در تابستان این سال، ویرانی‌های به جای مانده از ۸ سال جنگ تحمیلی، مشکلات اقتصادی و اجتماعی برآمده از آن دوران و تلاش برای بازسازی خسارت‌هایی که یعنی‌ها وارد کرده بودند، مجالی برای برگزاری دوره دوم این رویداد فرهنگی باقی نگذاشت. دومین وقفه در برپایی‌اش به سال ۱۳۹۹ و در ایستگاه پاندومی کرونا رخ داد؛ شیوعی جهانی که نه تنها این رویداد، بلکه دیگر نمایشگاه‌های کتاب بزرگ جهان از جمله فرانکفورت و بولونیا را هم بنا به ضرورت رعایت پروتکل‌های بهداشتی به تعطیلی کشاند. ایران در این دوره تجربه‌ای جسورانه را پشت سر گذاشت؛ لغو برگزاری فیزیکی و برپایی نمایشگاه کتاب تهران به شکل مجازی و بر بستر وب.

سی‌وسومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران که قرار بود با شعار «کتاب یعنی زندگی» برگزار شود با ادامه شیوع بیماری کرونا، با تصمیم شورای سیاست‌گذاری برگزاری این رویداد فرهنگی پس از ۳۲ سال منتفی و اعلام شد که به شکل مجازی میزبانی علاقه‌مندان را به عهده خواهد گرفت. هرچند که برگزاری دور نخستین این رویداد با کاستی‌هایی همراه بود، از جمله افزایش بار ترافیکی بر شبکه‌های اینترنتی و اختلال در خرید فروش کتاب، با این حال توفیقی اجباری برای بهره‌مندی از تکنولوژی‌های نوین ارتباطی را در اختیار متولیان، ناشران و همچنین مردم قرار داد. از آن هنگام علاقه‌مندان شاهد برپایی همزمان نمایشگاه کتاب در دو بخش مجازی و حضوری هستند؛ آن‌چنان که برخی خرید خود را از طریق بخش مجازی انجام می‌دهند و با خیال آسوده و بدون نیاز به حمل پلاستیک‌های مملو از کتاب‌های مورد علاقه‌شان، به بازدید از غرفه‌ها و سالن‌ها می‌پردازند. در طول سال‌ها، این نمایشگاه که در عرصه جهانی به جهت وسعت برگزاری و تعداد بازدیدکنندگان، به اذعان برخی بعد از نمایشگاه کتاب فرانکفورت، در جایگاه دوم قرار دارد؛ تغییرات زیادی شاهد بوده است. نمایشگاه کتاب تهران هنوز خانه به‌دوش است، با این حال برگزاری‌اش در مصلی تهران همچنان با رضایت بیشتری از سوی بازدیدکنندگان و ناشران برخوردار است. امروزه، نمایشگاه کتاب تهران نه تنها نقشی ملی دارد بلکه مکانی برای گفت‌وگوهای بین‌المللی شده است، جایی که فرهنگ سرزمین‌مان فرصتی برای معرفی جهانی خود پیدا می‌کند. نمایشگاه کتاب تهران، امروز نمادی است از تعامل فرهنگی میان ملت‌ها و تلاشی مشترک برای بسط کتاب و دانش.

از امروز تا ۲۷ اردیبهشت، مصلی تهران، میزبان هزاران عنوان کتاب است، میزبانی داستان‌های بی‌شماری از فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف را بر عهده دارد؛ داستان‌هایی که از کلمات آغاز و به زندگی تبدیل می‌شوند.





خزائن اسرار امروز ما

گفت‌وگو با دکتر فرهنگ رجایی درباره کارنامه کاری و پروژه پژوهشی‌اش

بیزن مومیند | دبیر کتاب «ایران»

شوند؟ علت آن را در گیتی، احوال بینی، ناتاریخی و بیماری بزرگ «تام‌اندیشی» یافتم.

توجه به سه متن مهمی که نگارنده به آن رسیده برای بازیگری ایران و ایرانی لازم است زیرا ما را هر روز به چاله انداخته است. این سه متن عبارتند از: سنت (جنبه ابدی ایرانی بودن)، عرف (دوران‌های متعدد ایرانی/ بشری منعکس شده در فرهنگ ایرانی) و متن کج‌ایستادگی ایران در شیوه تولید زندگی در روح زمانه (هم خود ایران و هم بشریت) که امروزه عصر جهانی شده تجدد با تمدن اطلاعاتی/ ارتباطی بیداد می‌کند. بروز بیرونی این کژاندیشی و موضع ما در رابطه با این سه متن «تقبیح یا تقدیس» هر یک شده است. تازه اگر هم درست ببینیم باز نمی‌پذیریم، چون هیچ‌یک برای ما نه راه‌حل است و نه چراغ راه آینده بلکه به بیان کتاب «تاریخ بیهقی»، «خزائن اسرار امروز است» و روش‌شناسی غیرایدئولوژیک الزام می‌کند که با این سه متن هم‌پرسی، گفت‌وگو، کناکنش و برهم‌کنش کنیم تا بتوانیم خودتعریفی فردی، جمعی و همگانی تازه‌ای برای ایران امروز تمهید و تأسیس کنیم. چند اقبال دست به دست هم داد که جرأت و فکر کنم اگر به این نتیجه باور دارم باید به جای سرزنش آثار دیگران، آستین بالا بزنم و طرحی از آن چه میل دارم برای ایران امروز ببینم و ترسیم کنم. به این نتیجه رسیدم که برای این کار هم باید قدری با این سه متن به هم‌پرسی بنشینم و هم هراتری که در گذشته نشر داده‌ام را مرور کنم تا بلکه بتوانم با دست پرمحتواری به این مهم دست بزنم. از این‌رو بود که رسماً خود را به‌رغم

دکتر فرهنگ رجایی، استاد علوم سیاسی دانشگاه کارلتون کانادا که به تدریس با روش هم‌پرسی (گفت‌وگوی پرسشی‌انگیز) با اذهان خلاق و کوشا اعتقاد دارد، دغدغه اصلی‌اش مطالعه وضع بشر و چگونه انسانی عمل کردن یا به بیان خودش «انسان‌ورزی» است. «مشکل هویت ایرانیان امروز» را شاید بتوان اولین کتاب مورد توجه و بحث‌برانگیز رجایی در فضای فکری ایران دانست. ترجمه «فلسفه سیاسی چیست؟» لئو اشتراوس کتاب شاخص دیگر او بود تا اینکه به واسطه هم‌سخنی و ارتباط با چارلز تیلور «زندگی فضیلت‌مند در عصر سکولار» را منتشر کرد و بعد هم سراغ ترجمه آثاری از هانا آرنت و درباره آرنت رفت. همچنین ترجمه کامل سه جلد کتاب مهم «تمدن و سرمایه‌داری» از دیگر آثار قابل توجه دکتر رجایی است. درباره کارنامه کاری و پروژه پژوهشی دکتر رجایی پرسش‌هایی برای ایشان فرستادم که با بزرگواری و به سرعت پاسخ‌شان را فرستادند تا به اولین شماره ویژه‌نامه نمایشگاه کتاب برسد.

اگر مستقیماً به درونمایه پرسش بپردازم، پرسش اصلی این دانشور که از دوران دبیرستان در دهه ۱۳۴۰ آغاز شد و ابتدا به غلط به صورت «چرا عقب مانده‌ایم» صورت‌بندی شد و بعد «چرا توسعه‌نیافته هستیم» شد و... به صورت پرسش‌هایی از این قبیل بسط یافت. اما تنها در دهه گذشته برای من به وضوح روشن شد پرسش اصلی این است که «چرا ایران و ایرانیان بازیگر نیستند» برای من از دهه گذشته این پرسش مطرح شد که چرا بعد از سقوط اصفهان در سال ۱۷۲۲ (سقوط سلسله صفوی) نتوانستیم در سطح جهانی بازیگری کنیم و این موضوع سامان نگرفت. بلکه کوشش‌هایی هم که شده از جمله دو دوره جالب و مهم اصلاحات امیرکبیر و اصلاحات مصدق و دو جریان مهم نهضت گرانسنگ مشروطیت و انقلاب ۱۳۵۷، سامان نگرفت تا بار دیگر ایران و ایرانی بازیگر

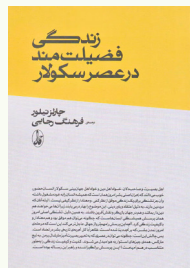
● جنابعالی در چند سال اخیر جزو فعال‌ترین نویسندگان حوزه اندیشه سیاسی بوده‌اید و آثار متنوعی اعم از ترجمه و تألیف منتشر کرده‌اید. این دوره از فعالیت شما شاید بتوان گفت از ترجمه «محبت و آگوستین قدیس» هانا آرنت شروع شد و تازه‌ترین کتاب منتشرشده‌تان هم «جمهوری خردورزی: درس‌گفتارهای جیستی دانشگاه» است. انتشار تعداد قابل توجهی کتاب توسط شما در این بازه چند ساله محصول چه شرایطی است و بنا به چه ضرورتی فعالیت خود را در حوزه ترجمه و تألیف کتاب گسترش دادید؟

«به نام خداوند جان و خرد/ کز این برتر اندیشه برنگذر»، درود و وقت بخیر به همه فرزندان بانو ایران خانم، مام وطن عظیم، بگانه و بسیار غنی ما که ما فرزندان قدرش را آن‌طور که شاید در دوران اخیر نگاه نمی‌داریم.

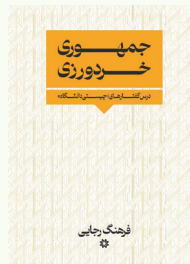
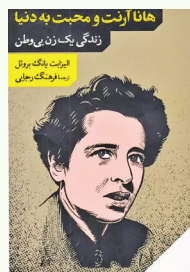
کار داشته باشم. برخی ناشران به حریم این تقسیم‌کار آن طور که باید اهمیت نمی‌دهند اما خوشبختانه ناشرانی که با آنها کار کرده و می‌کنم بر نقشی که من باید داشته باشم، پافشاری هم می‌کنند که عالی است. در مورد جنبه دیگر پرسش جناب عالی باید عرض کنم اخلاق و وظیفه علمی و حرفه‌ای ایجاب می‌کند که نه امتیاز بی‌جا بدهیم و نه امتیاز بی‌جا برای خود قائل شویم. اگر در اثری به این نتیجه رسیده‌ام که سهم من کمتر از سهم هر نویسنده دیگر (صرف‌نظر از شهرت دنیایی هر یک) کمتر نیست به خود این اجازه را داده‌ام که نامم در کنار نام وی باشد. عبارت «به انتخاب و ترجمه فرهنگ رجایی» هم امیدوارم آن طور که من تصور کرده‌ام، اعلام مسئولیت برای انتخاب این یا آن بحث آرنست برای القای امر سیاسی باشد. اگر در القای این مطلب الکن بوده‌ام، این یکی از هزاران قصور من است چرا که هر گونه موفقیتی را که با نام من همراه است نتیجه همراهی و کمک هزاران انسان شناخته یا ناشناخته می‌دانم و هر گونه قصوری را نتیجه کوتاهی شخص خود می‌دانم و قطعاً در آینده نیز قصور خواهم کرد. برای کسانی که در کارهایم سهمی چه شناخته و چه ناشناخته دارند دعای خیر دارم و برای خود طلب کمک از حضرت باری و عالم کون و مکان که به من یاری دهند تا کمتر قصور کنم.

● چون در ایام برگزاری نمایشگاه کتاب هستیم اگر در بین کتاب‌هایی که تاگزی مطالعه کرده‌اید پیشنهادی برای خوانندگان دارید، خوشحال می‌شویم بفرمایید و درباره دلایل کتاب‌های پیشنهادی هم اگر نکات کوتاهی دارید، ذکر کنید؟

یکی دیگر از صورهای بزرگ من هم این است که خواننده فعالی برای آثار به تاگزی نشر شده در ایران نیستم و به جز ترم بهاره که برای تدریس و درسگفتار در ایران هستم، متأسفانه از این دنیای بجمداالله رنگارنگ و پرتراوت هنر و فرهنگ ایران به دور هستم. اما به خود اجازه می‌دهم از عزیزان کتابخوان استدعا کنم از خواندن آثار «خواندنی» (تاریخ مصرف دار و روزپسند) دوری بفرمایند و به آثاری عنایت داشته باشند که به بیان مهدی‌قلی هدایت «حرف حساب» برای گفتن دارند یا به بیان جهانی، آثار «ماندگارند». آثار حرف حساب دار و ماندگار بیشتر ما را به پرسش برمی‌انگیزند و دردی در جان ما باعث می‌شوند تا برای ما پاسخ و راه حل بدهند. بی‌دلیل حضرت مولانا نفرمود: «هر کجا دردی، دوا آنجا رود/ هر کجا فقری، نوا آنجا رود... آب کم جو، تشنگی آور به دست/ تا بجوشد آبت از بالا و پست».



از عزیزان کتابخوان
استدعا دارم
از خواندن آثار
«خواندنی» (تاریخ
مصرف دار و
روزپسند) دوری
بفرمایند و به آثاری
عنایت داشته
باشند که به بیان
مهدی‌قلی هدایت
«حرف حساب»
برای گفتن دارند یا
به بیان جهانی، آثار
«ماندگارند»



همکاری می‌کنید؟ نکته بعد اینکه چه کتاب یا کتاب‌هایی در دست انتشار دارید؟

قبلاً اشاره شد که برخی آثار به سال‌ها قبل باز می‌گردد که نمی‌دانستم به مرحله «مجموعه آثار» خواهم رسید یا نه. اولین اثر را ناشر فرهیخته و فرهنگی و انسانی محتشم و محترم یعنی جناب حسینی‌خانی در انتشارات آگاه انتشار داد و مشوق کارها بود و بقیه هم گاه به تصادف و گاه انتخاب‌شده تعهد شد که امیدوارم با همکاری آنها همه را در «نگارستان اندیشه» جمع آورم. برخی لطف کرده و آثار را به خود بازگردانده‌اند که البته بدون تغییر بنیانی (برای حفظ کردن زمینه و زمانه نشر اثر) اما با ویراست تازه به خوانندگان محترم تقدیم خواهد شد. در خصوص آخرین بخش پرسش‌تان، آثاری را که قبلاً نشر شده به مرور بازبینی و آماده بازچاپ می‌کنم (برای نمونه اندیشه سیاسی شرق باستان که اخیراً نشر شد) و در مورد آثار تازه دواثر هست، یکی «اگر کلاس‌ها صحبت می‌کردند!» (درباره دو خویشاوند معنوی و استاید مشوقم حمید عنایت و کنت تامپسون) است که در حال حاضر بخش‌هایی از آن را هر روز سه‌شنبه به صورت درسگفتار به طور حضوری در مرکز مطالعات خاورمیانه عرضه می‌کنم.



● شما جزو آن دسته نویسندگانی هستید که در مورد طرح جلد، صفحه‌آرایی و کیفیت کاغذ و چاپ حساس هستید یا این‌گونه موارد را به ناشر و ناشران می‌کنید و نظری نمی‌دهید؟ این سؤال را به این خاطر پرسیدم که روی جلد کتاب «سیاست» زیر عنوان آمده «هانا آرنست و فرهنگ رجایی» و پایین جلد هم «به انتخاب و ترجمه فرهنگ رجایی» ذکر شده و فونت اسم هم به نسبت درشت است که همین موضوع باعث انتقاداتی در فضای مجازی شده بود. آیا در این مورد با ناشر صحبت خاصی داشته‌اید یا نه؟

خوشحالم که این پرسش شد. ببینید دوستان «بی‌نام» اما فرهیخته و زحمتکش در همه انتشاراتی‌ها در اینکه من نوعی نویسنده به‌ترین شکل عرضه شوم، نقشی مهم دارند. دست همه را می‌فشارم و از صمیم قلب منت‌دار همه‌شان هستم اما من نویسنده نیز باید نقشی فعال در روند

اینکه در دانشگاه کارلتون محدودیتی برای زمان بازنشستگی رسمی وجود ندارد، بازنشسته کردم تا از مسئولیت اجرایی، اداری و تدریس بیش از یک یا دو درس که به انتخاب خود انجام می‌دهم، آزاد باشم. از طرفی به این نتیجه رسیدم که این مهم نمی‌تواند حرف حسابی داشته باشد مگر این که بیشتر در ایران باشم و حتی اگر بشود به صورت داوطلب و بدون هیچ چشمداشتی تدریس هم بکنم که خوشبختانه این هم به همت و بزرگواری دانشوران فرهیخته ایران دوست فراهم آمده است. یک نتیجه جانبی هم اینکه ترتیبی داده شده تا آثارم در یک مجموعه در «انتشارات نگارستان اندیشه» نشر شود که خوشبختانه چندین جلد در دو سال گذشته منتشر شد.

ضمناً با اینکه رسماً آقرار دارم که «مترجم» نیستم اما خود را از ترجمه آثار ماندگار بی‌نیاز نمی‌دانم. ترجمه‌هایی هم در دست دارند که با طرح جدید فکریم درباره ایران امروز در ارتباط هستند. قابل توجه است که برخی ترجمه‌هایم قبل از تعهد به نگارستان اندیشه با ناشران دیگری تعهد شده بود که انتشار هم یافته‌اند از جمله دو، سه کتاب درباره یا توسط هانا آرنست و ترجمه کتاب «تمدن و سرمایه‌داری» فرنان برودل.

● آثار منتشر شده جناب عالی دربرگیرنده حوزه‌های متنوعی از فرهنگ ایرانی تا اندیشه سیاسی غرب و شرق است. آیا با وجود تنوع آثارتان می‌توان یک نظم و خط سیر اندیشگی مشخص را در آنها یافت یا باید آنها را پازل‌هایی متنوع و رنگارنگ و به قول زنده‌یاد دکتر شایگان مرقع کاری چندتکه دانست؟ پرسش نکته‌سنجانه‌ای است. ابتدا بگویم که با احترام کامل به «هم‌سخن و خویشاوند معنوی» خویش، روان‌شاد داریوش شایگان، قیاس با «مرقع کاری» را که اتصال ابزارواره و ویژگی آن است، مناسب نمی‌دانم. آثار گوناگون نگارنده از یک‌سو همه درباره چندلایه بودن وضع بشر و از سوی دیگر شش‌شاکله امرسیاسی است که هر دو، نه اتصال که ارتباطی اندام‌واره دارند. از طرفی درست است که تحصیلات رسمی و دانشگاهی من به ترتیب در علم سیاست (دانشگاه تهران)، مدیریت امرعمومی (دانشگاه اوکلاهما) و اندیشه سیاسی و امور بین‌الملل (دانشگاه ویرجینیا) است اما مگر برای فهم وضع بشر و امرسیاسی می‌توان از تاریخ، فرهنگ، ادبیات، فلسفه، دین و هنر غافل بود؟ قطعاً نظم و به تعبیر شفاهی خود جناب عالی «نخ تسبیحی» همه دانه‌ها (تک تک آثار) را به هم پیوند می‌زند.

● علاوه بر تنوع آثار، با ناشران مختلفی هم همکاری داشته‌اید. این تنوع همکاری محصول شرایط و اقتضائات حوزه نشر و ارتباطات مختلف و متنوع‌تان است یا دلیل خاصی دارد. انتشارات نگارستان اندیشه شروع به انتشار مجموعه آثار جناب عالی کرده، آیا این نشر از این به بعد ناشر اختصاصی آثارتان خواهد بود یا قرار است بخشی از آثارتان را این نشر منتشر کند و با ناشران دیگر نیز همچنان



مراقبان صبور زندگی

ما ایوب نبودیم روایت‌هایی درباره مراقبت از دیگری است



فاطمه ستوده | دبیر مجموعه ما ایوب نبودیم

همذات‌پنداری و احترام مخاطب را برانگیزد.
۶- نویسنده‌ها این کتاب سعی کرده‌اند ابعاد پیدا و ناپیدای مراقبت از دیگری را با مخاطب شریک شوند. روایت از مراقبت از سالمند، مراقبت از بیمار، مراقبت از کودک با نیاز ویژه (کودک اوتیستیک، کودک فلج مغزی)، مراقبت از جانباز، مراقبت از فرزندخوانده، مراقبت از زنی در فرآیند درمان ناباروری، مراقبت از گونه‌های نادر زیست‌محیطی، مراقبت از روان جمعی پس از زلزله و... از این دست‌اند.

۷- روایت‌های این کتاب کاملاً ایرانی‌اند، تألیفی‌اند و نویسندگان کتاب از شهرهای مختلف ایران در کتاب‌کنار همدیگر قرار گرفته‌اند. متن‌ها در

عین سادگی و صمیمیت و داستانی بودن، گاه پر از حرف‌های نظری حوزه مراقبت‌اند. سهل و ممتنع بودن‌شان باعث می‌شود هم مخاطب عام با کتاب ارتباط خوبی برقرار کند و هم مخاطب اهل کتاب.

۸- نویسنده هر متن در عین ترسیم تلخی‌های خود مراقبت، به شیرینی‌ها، امیدها و نگاه رو به جلو و امید به آینده در مراقبت تأکید می‌کند. روایت‌ها کلیشه‌ای و شعاری نیستند. به نحوی که خواننده وقتی به پایان کتاب می‌رسد، به خودش می‌آید و می‌بیند انگار باید بیشتر حواسش را جمع کند و مراقب مراقب‌ها باشد. مراقب‌های صبور که سال‌هاست تلاش می‌کنند دنیا جای قابل تحمل‌تر و روشن‌تری شود.

۹- حدود چهار ماه است کتاب به بازار نشر آمده و این روزها به چاپ چهارم رسیده است. مخاطبان ارتباط خیلی خوبی با

«ما ایوب نبودیم» گرفته‌اند. انگار این کتاب می‌تواند تلنگری باشد به آدم‌ها، به اینکه خودشان را در آینه آن ببینند. حس کنند هنوز می‌توان به زندگی امید داشت. آدم‌های بسیاری بعد از خواندن کتاب برایم گفته‌اند تازه فهمیده‌اند رنج‌های شخصی‌شان چقدر می‌تواند موهوم و خیالی باشد. برایم گفته‌اند با خواندن این کتاب انگار کمی صبورتر شده‌اند. شاید خواندن این روایت‌ها آدم‌ها را به دنیا امیدوارتر می‌کند.

۱- روزی پاییزی در سال ۱۴۰۲ در دفتر «نشر اطراف» نشسته بودم و آفتاب بی‌رمق آبان تا وسط اتاق کش آمده بود. از دل جلسه‌ای سه‌نفره ایده مراقبت به دنیا آمد. طوفان ذهن بود که تندتند روی کاغذ می‌نشست. یکی پیشنهاد داد سوژه کتاب بعدی‌مان درباره رنج باشد. دیگری گفت درباره اندوه، درباره سوگ، درباره فقدان، درباره رویاهای فراموش‌شده و مرگ‌شان و «مراقبت» آمد؛ که مراقبت شاید همه اینها بود و شاید نبود.

۲- در مراقبت، گاهی همه‌چیز ناگهانی است. مراقبت معمولاً آنی نیست که از مدت‌ها قبل فکرش را کرده باشی و برایش برنامه ریخته باشی. مراقبت قصه

روبه‌رو شدن سرشت یک انسان با سرنوشتی است که گریزی از آن نیست. ناگهانی مراقبت مثل زلزله می‌ماند. بی‌خبر می‌آید. بی‌خبر درگیرش می‌شوی. ناگهان مجبور می‌شوی یا دلت می‌خواهد به دیگری دل بدهی. به او رسیدگی کنی. مراقبت کنی. انگار رسیدگی با مراقبت فرق دارد. رسیدگی واژه فشنگی‌ست. شیک و پیک به نظر می‌آید. روی کاغذ فشنگ‌تر است. اما مراقبت فرق دارد. مراقبت گاهی استیصال دارد. مراقبت رسیدگی با صبر و عشق است. باید به کسی که ازش مراقبت می‌کنی، امنیت بدهی. نباید خودت را هم فراموش کنی. مراقبت درجه‌ای رسیدگی‌ست. حتی فراتر از مواظبت است. مراقبت چیزهایی اضافه دارد. کمی صبوری بیشتر، کمی عاشقی بیشتر، کمی خودآگاهی بیشتر.

۳- مراقبت‌ها عموماً شغل به معنای کلاسیک به حساب

نمی‌آیند. کمتر حقوق و مزایا دارند. مراقب‌ها کمتر حق انتخاب دارند. کمتر ساعت کار مشخص، مرخصی و بازنشستگی دارند. اصلاً صدایی ندارند. کمتر شنیده شده‌اند. کسی حواسش به مراقب‌ها نبوده هیچ وقت. صداهایی اگر برخاسته، تجربه‌های اندک مکتوب شده و پاره‌پاره و غیرمنسجم‌اند. شاید مراقب هم مثل مادر است. وقت و زمان نوشتن ندارد. به خصوص هنگامی که دقیقاً در دل موضوع زیست می‌کند.

۴- این کتاب را آدم‌های مراقب نوشته‌اند. کسانی که در یک برهه زندگی‌شان به ناچار یا دل‌بخواه پایشان به وادی مراقبت از کسی یا چیزی کشیده شده است.

۵- این روایت‌ها واقعی‌اند. تخیلی نیستند. تجربه زیسته آدم‌ها هستند و در عین واقعی بودن، فرآوری داستانی شده‌اند و نویسنده روایت توانسته با قلمش همدلی،



ما ایوب نبودیم

چند مواجهه با مراقبت از دیگری

- به کوشش: فاطمه ستوده
- انتشارات: نشر اطراف
- تعداد صفحه: ۱۹۸ صفحه
- قیمت: ۲۴۰ هزار تومان

مرور

مترجم دردها

مراقبت از دیگری نه تنها یک مسئولیت انسانی است، بلکه از جنبه‌های اخلاقی هم اهمیت بسیاری دارد. «اخلاق مراقبت» نظریه‌ای در اخلاق هنجاری است که در نیمه دوم قرن بیستم توسط فیلسوفان اخلاق زنانه‌نگر مطرح شد و مطابق آن محور کنش اخلاقی روابط بینافردی و مراقبت یا خیرخواهی به عنوان یک فضیلت است. برخلاف نظریه‌های اخلاقی سنتی، اخلاق مراقبت بر اهمیت ارتباطات و تعاملات انسانی تأکید دارد و بر این باور است که اخلاق باید بر مبنای روابط و تجارب عاطفی انسان‌ها بنا شود. نشر اطراف که در سال‌های اخیر تمرکز خود را بر انتشار کتاب‌های جُستار در حوزه‌های مختلف قرار داده، در کتاب «ما ایوب نبودیم» روایت احوال، افکار و روزگار ۱۳ مراقب را منتشر کرده، آدم‌هایی که بخشی از روزها و شب‌های‌شان را به دیگری بخشیده‌اند.

نقیسه مرشدزاده، مدیر نشر اطراف در «یادداشت ناشر» پس از اشاراتی به نقش مراقبتی‌اش برای دختر و مادرش، می‌نویسد: «مراقب، مترجم دردهاست. رنج و زندگی را به یکدیگر ترجمه می‌کند و خودش نیز در این میانه می‌بالد و بالغ می‌شود. مراقب هم مواظب است که رنج و زندگی همدیگر را درست بفهمند و هم حواسش هست که خبرهای تلخ به فضای مراقبت راه پیدا نکنند. گزارش‌های تلخ بیرون را در قالب قصه‌ای دیگر تعریف می‌کند تا جهان کوچک مراقبت ترک برندارد. مراقبت میانجی دو جهان است: جهان مردمان رنج‌دیده و جهان عاقبت‌نشینان فراموشکار و مغرور. او روی مرزهای دو دنیا راه می‌رود تا کاری کند که دو طرف دیوار «پیشامد» همدیگر را درک کنند. زندگی آن بیرون را یاد ساکن اتاق می‌اندازد و آسیب‌پذیری ساکن اتاق را یاد بیرونی‌ها. «ما ایوب نبودیم» قصه سفر قهرمانی معمولی است که ناگهان در موقعیتی غیرمعمولی باید به زندگی‌اش ادامه دهد و تسلی‌ها و دل‌خوشی‌هایی برای ادامه راه بیابد. این کتاب یکی از کتاب‌های مجموعه «تجربه رابطه» نشر اطراف است. فاطمه ستوده دبیر و گردآورنده «ما ایوب نبودیم» است و مرضیه اعتمادی، عاطفه تاجیک، زهره ترابی، مرتضی سلطانی، علیرضا شهرداری، زهرا صنعتگران و پاسر مالی روایت خود را از مراقبت بازگو کرده‌اند.



با اسکن این رمزیننه می‌توانید پادکست «کتاب ایران» را اینجا بشنوید.



بازی آخر گابو

رمان جنجالی در ماه اوت همدیگر را می‌بینیم

گابریل گارسیا مارکز که بین مردم کشورهای آمریکای لاتین با نام «گابو» مشهور بود، ۱۷ آوریل ۲۰۱۴ از دنیا رفت. مونیکا آلونسو، منشی مارکز یادداشت‌های رمانی از او را در اختیار داشت که در پنج نسخه تنظیم شده بود. مارکز روی نسخه پنجم، به خط خودش، نوشته بود «اوکی / بزرگ نهایی»؛ با این حال، در حاشیه کاغذ یادداشت‌هایی هم با دست نوشته بود. او هرگز حاضر نشد این کتاب را منتشر کند، زیرا بیماری فراموشی چنان ذهن و روانش را خسته کرده بود که شاید جرأت نمی‌کرد کتابی را منتشر کند که جزئیات آن را درست به خاطر نمی‌آورد. حتی به فرزندانش گفته بود که «این کتاب به درد نمی‌خورد. باید نابودش کرد» زیرا به قول خودش «حافظه، هم مایه و هم ابزار اصلی من است. بی‌آن، هیچ‌اند هیچ است». سال‌ها بعد، فرزندانش کتاب فراموش شده او را دوباره خواندند و دریافتند کتاب کاملی است به سبک ناب پدرشان؛ بنابراین تصمیم گرفتند با کریستوبال پرا، ویراستار مارکز، تماس بگیرند و از او بخواهند ویراستی نهایی از آن تهیه کند. کریستوبال پرا خود را برابر کتابی آماده می‌بیند که درد فراموشی مانع از آن شده تا نویسنده‌اش آن را چاپ کند. در نهایت با موافقت فرزندانش مارکز، کتاب «در ماه اوت همدیگر را می‌بینیم» فوریه سال ۲۰۲۴ (بهمن ۱۴۰۲) منتشر شد. انتشار این رمان با نقدهای متفاوتی روبه‌رو شد و پرسش‌هایی اساسی در مورد زندگی با سالخوردگی و ذهنی بیمار را مطرح کرد. «در ماه اوت همدیگر را می‌بینیم» حکایت سفر هر ساله آنا مگدالینا پچ، زنی ۴۶ ساله به جزیره‌ای بر سر قبر مادرش است. او نمی‌داند مادرش چرا این جزیره را برای منزل جاودانی‌اش برگزیده اما حس می‌کند رازی در کار است؛ رازی که گشوده شدنش به طریقی شگرف رخ می‌دهد. این تنها رمان مارکز است که محوریت آن با یک زن است. نشر لگا چندماه بعد از انتشار، ترجمه این رمان را از روی نسخه اصلی به زبان اسپانیایی در دستور کار خود قرار داد و مجدالدین ارسنجانی آن را به فارسی برگرداند. در پایان کتاب، چهار صفحه از رمان اصلی به همراه یادداشت‌های حاشیه‌ای گارسیا مارکز آمده که برای سرک کشیدن علاقه‌مندان این نویسنده کلمبیایی به جهان ذهنی و روش نویسندگی او جالب است.



در ماه اوت همدیگر را می‌بینیم

- نویسنده: گابریل گارسیا مارکز
- ترجمه: مجدالدین ارسنجانی
- انتشارات: لگا
- تعداد صفحه: ۱۱۰ صفحه
- قیمت: ۱۷۵ هزار تومان

پایان یک قلم با تقدیم سکوت

درباره رمان آخر ماریو بارگاس یوسا

طه حسین فراهانی | روزنامه نگار

اصلی رمان، مردی است که تمام زندگی‌اش را وقف آرزوی وحدت پرو از طریق موسیقی می‌کند؛ آرزویی که در جهان پراشوب و چندپاره امروزی، همچون رویایی شاعرانه و در عین حال دور از دسترس جلوه می‌کند. این رمان تا حدی از زندگی و هنر سسلیا بارراسا، خواننده محبوب موسیقی کریویو، الهام گرفته است؛ زنی که صدایش، به گفته بسیاری، جان تازه‌ای به موسیقی سنتی پرو بخشیده است. به گزارش Infobae، صدای او یکی از منابع الهام اصلی برای نگارش این اثر بوده است و بارگاس یوسا در سال‌های پایانی عمر خود، با شور و شوق خاصی از او یاد می‌کرد.

«سکوت» را به شما تقدیم می‌کنم» نه تنها روایتی از عشق و موسیقی، بلکه بیانیه‌ای شخصی و فرهنگی است؛ وداعی با ادبیات، با صداهای ملت، و با رویای وحدتی که بارگاس یوسا همواره در پی آن بود. بارگاس یوسا در این اثر از روایت چندلایه بهره می‌برد، جایی که صدای راوی با نغمه‌های موسیقی و تاریخ شفاهی درهم می‌آمیزد. او از فلش‌بک‌ها و تغییرات زمانی بهره می‌گیرد تا به شکلی موزون، سیر تحول شخصیت تئو آسپیلکوئتا را بازنمایی کند. زبان روایت در عین دقت و جزئی‌نگری، به گونه‌ای موزون و موسیقایی است که با موضوع کتاب هماهنگ شده و خواننده را به تجربه‌ای حسی و زیباشناختی دعوت می‌کند. بارگاس یوسا با تمرکز بر موسیقی سنتی و آفرو-پرویی، توجه خواننده را به میراث فرهنگی سرکوب‌شده و نادیده‌گرفته‌شده قشرهایی جلب می‌کند که در تاریخ رسمی کمتر دیده شده‌اند. در جهانی که همواره سیاست در مرکز گفت‌وگوها بوده، او این بار موسیقی را به عنوان زبان وحدت و تسکین معرفی می‌کند؛ زبانی که مرزهای قومی، اجتماعی و سیاسی را درمی‌نورد. از این نظر، رمان نه تنها یک اثر ادبی، بلکه یک بیانیه فرهنگی و اجتماعی نیز هست. صدایی برای کسانی که معمولاً شنیده نمی‌شوند؛ همان گونه که موسیقی کریویو قرن‌ها زبان بی‌صدای مردم حاشیه‌نشین بوده است.

«سکوت» را به شما تقدیم می‌کنم» را می‌توان نه فقط نقطه پایان یک مسیر ادبی، بلکه نقطه اوج آن دانست؛ اثری که با نگاهی لطیف، از خشونت سیاست به نرمی فرهنگ پناه می‌برد و صداهایی را در دل سکوت به گوش می‌رساند. وداعی درخشان از نویسنده‌ای که تا پایان، دغدغه آزادی، انسان و وطن را در دل داشت.

در ۲۳ فوریه ۲۰۲۴، ماریو بارگاس یوسا با انتشار کتاب «سکوت» را به شما تقدیم می‌کنم» به‌طور رسمی اعلام کرد که این اثر آخرین رمان او خواهد بود و با انتشار آن از دنیای ادبیات داستانی خداحافظی می‌کند. این تصمیم، دو سال پیش از درگذشت نویسنده، پایانی باشکوه و آگاهانه بر یکی از مهم‌ترین کارنامه‌های ادبیات معاصر اسپانیایی زبان بود. رمان «سکوت» را به شما تقدیم می‌کنم»، آخرین اثر داستانی ماریو بارگاس یوسا، بازتاب گسترده‌ای در محافل ادبی و فرهنگی آمریکای لاتین و جهان داشت و دو ترجمه از آن هم به زبان فارسی منتشر شده است. نشر لگا این کتاب را با ترجمه مجدالدین ارسنجانی منتشر کرده و نشر برج هم یک ماه پیش از درگذشت یوسا در ۲۴ فروردین امسال، آن را با ترجمه سعید متین منتشر کرد.

«سکوت» را به شما تقدیم می‌کنم» داستان زندگی مردی به نام تئو آسپیلکوئتا را روایت می‌کند: سفری عاطفی و فرهنگی به قلب موسیقی سنتی پرو، بویژه موسیقی کریویو و آفرو-پرویی. بارگاس یوسا در این اثر با نگاهی عمیق و نوستالژیک، نقش موسیقی را در شکل‌گیری هویت فردی و ملی کاویده و به این پرسش اساسی پرداخته که چگونه هنرمی‌تواند پلی میان طبقات، قومیت‌ها و زبان‌های گوناگون یک ملت باشد. شخصیت



سکوت را به شما تقدیم می‌کنم

- نویسنده: ماریو بارگاس یوسا
- ترجمه: سعید متین
- انتشارات: برج
- تعداد صفحه: ۲۶۴ صفحه
- قیمت: ۲۶۵ هزار تومان



سعید لیلایز/ اقتصاددان و استاد تاریخ

راز عصر صفوی

کتاب «تغییرات اجتماعی - اقتصادی در ایران عصر صفوی» که نشر نی آن را با ترجمه هاشم آقاچری منتشر کرده، در واقع رساله دکترای داریوش نویدی در یکی از دانشگاه‌های آمریکاست. این کتاب با یک نگاه جدید به تحولات اقتصادی دوره صفویه نوشته شده است. اگر بخواهید ایران امروز را بشناسید بدون اینکه از صفویه شروع کنید، غیرممکن است و آقای نویدی به زیرزمین تاریخ جدید ایران رفته و فونداسیون را از یک نگاه جدید شکافته و سعی کرده توضیح دهد ایران باوجود همه پیشرفت‌های بزرگ و شگرفی که در دوره صفویه داشت چرا نتوانست از دوران پیشاسرمایه‌داری جلوتر بیاورد و مانند اروپا وارد مناسبات سرمایه‌داری بشود. آقای نویدی اساس مسأله را به استبداد سلطنتی نسبت می‌دهد و اینکه تقریباً تمام ارزش‌افزوده‌های تولیدشده در کارگاه‌های صنعتی چه متعلق به دستگاه سلطنت و چه بیرون از سلطنت به دربار منتقل می‌شد و به‌جای اینکه به‌صورت انباشت سرمایه برگردد به چرخه اقتصاد و اقتصاد را به حرکت دربیآورد، به قول ویلفوگل در دربار خرج شکوهمندسازی می‌شد. اگر خواننده محدودی با مسائل تاریخی و اقتصادی آشنا باشد ممکن است با همه نظرات نویسنده همراه نباشد ولی از این حیث که این کتاب پرتو جدیدی را به تاریخ بسیار مهم دوره صفویه می‌اندازد؛ بویژه از منظر اقتصادی که اصل کارکرد صفویه است، کتاب بسیار مهم و قابل تأملی است چون در این حوزه متأسفانه کتاب‌های بسیار کمی نوشته شده و البته معدود افرادی چون ویلم فلور و رودی مته هم آثار قابل توجهی در این حوزه نوشته‌اند.

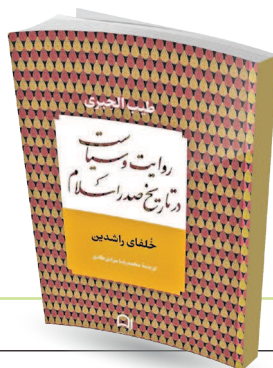


آرش خوش‌خو/ روزنامه‌نگار و منتقد

غافل‌گیری

«روایت و سیاست در تاریخ صدر اسلام» نوشته طیب الحبري، اسلام پژوه عرب دانشگاه ماساچوست، به بررسی روایت‌های مشهور دوران خلفای راشدین از ماجرای سقیفه و جانشینی ابوبکر تا انتخاب عمر و قتل عثمان و خلافت علی(ع) و جنگ صفین می‌پردازد. اما ویژگی مهم‌تر کتاب تطابق این روایات با الزامات سیاسی و اجتماعی دوره زندگی مورخ است. مثلاً تاریخ طبری به عنوان مهم‌ترین منبع تاریخ اسلام در سال ۲۹۵ شمسی مطابق با ۳۰۳ قمری نگاشته شده که بیش از ۲۵۰ سال پس از خاتمه دوران خلفای راشدین بوده است. با این حال تاریخ طبری پر است از جزئیات دقیق اتفاقات و همین‌طور متن کامل خطبه‌های خلفا با استناد به روایت‌های برخی از چهره‌های عرب. نویسنده کتاب هوشمندانه این شائبه را وسط می‌کشد که در سیر نقل این روایت‌های پر جزئیات، انگیزه‌های شخصی تاریخ‌نگاران و راویان و همین‌طور اقتضائات خاص دوره بنی‌عباس (دوره‌ای که طبری در آن می‌زیسته) چگونه ساختار این داستان‌های تاریخی را شکل داده‌اند (در واقع بررسی تأثیر قدرت‌های سیاسی روز بر علم حدیث و روایات) و از ورای این بررسی تحلیلی، تصاویر حیرت‌انگیزی از وقایع تاریخی صدر اسلام را مشاهده می‌کنید.

«روایت و سیاست در تاریخ صدر اسلام» را نشر نامک با ترجمه محمدرضا مرادی طادی منتشر کرده است. ترجمه کمی ثقیل است که شاید یک تمهید آگاهانه از سوی مترجم بوده باشد! یک بخش مفصل از توضیحات و ارجاعات و کتاب‌شناسی و نمایه بسیار خواندنی هم در انتهای خود دارد. خواننده باید همان ابتدا هدف نویسنده را درک کند. این‌جا روایت تاریخ دوره خلفای راشدین هدف اول نیست، بلکه شیرجه‌ای است در زوایای پنهان تاریخ به عنوان یک علم دست‌کم گرفته شده. کتاب «روایت و سیاست در تاریخ صدر اسلام» غافل‌گیری بزرگ و مطبوع بازار کتاب در سال جاری بوده است.



علی دهباشی/ مدیرمسئول مجله بخارا

در صیافت صنعتی و شایگان

از میان کتاب‌هایی که در یک سال اخیر خواننده‌ام مایلم دو کتاب را به‌عنوان پیشنهاد مطرح کنم: «فرجام کین‌خواهی کیخسرو» نوشته دکتر محمد صنعتی که نشر شهاب ثاقب منتشرش کرده و کتاب دوم «سلوک در کناره‌ها» مجموعه مقالات محمدمنصور هاشمی درباره زنده‌یاد دکتر داریوش شایگان که نشر فرزانه روز ناشر آن است. دکتر محمد صنعتی، روانپزشک، نویسنده و منتقد ادبی که پیشگام نقد روانکاوانه در ایران است و کتاب‌ها و مقالات متعددی در زمینه نقد روانکاوانه آثار ادبی و چهره‌های فرهنگی دارد، در جستار تحلیلی «فرجام کین‌خواهی کیخسرو» در پی آن است این راز را برملا کند که چرا ایرانیان به حملات کین‌توزانه‌ای علیه توراتیان دست زدند و کیخسرو چرا پس از تمام پیروزی‌ها دچار انفعال شد، دست از قدرت کشید و به عرفان و تزکیه نفس روآورد. دکتر صنعتی، کیخسرو را با ادیب و هملت مقایسه می‌کند و معتقد است کیخسرو به اعتباری الگوی اولین هملت بوده است.

«سلوک در کناره‌ها» هم دربردارنده مجموعه مطالبی است که محمدمنصور هاشمی طی دو دهه مؤانست و مجالست با دکتر شایگان و پژوهش در آراء و آثار او نوشته است. این مطالب از آشنایی‌هایی اولیه دایرةالمعارفی تا ارزیابی‌های تحلیلی و انتقادی درباره سه دوره مختلف اندیشگی شایگان و مفاهیم اصلی مطرح‌شده توسط او را شامل می‌شود. محمدمنصور هاشمی به‌خوبی نشان می‌دهد که اندیشه‌های شایگان متناسب با تغییرات زمانه و شرایط آفاقی و انفسی چه تغییرات و تحولاتی داشته است. برای این پژوهشگر جدی، دقیق و کوشا آرزوی تندرستی و شادمانی و تداوم تولیدات فکری دارم.

